

مختل کننده سیستم رمز گردید و در همان دستگاه قابلیت کشف رمز نیز تعبیه شد. به این ترتیب در بازدید از تجهیزات سایت شنود و کشف رمز به هیچ وجه اثر مشهودی از انجام چنین عملیاتی مشاهده نمی شد و معلوم نبود چگونه و با چه ابزاری پیام های رمزی شده دشمن به صورت کشف شنیده می شوند.

البته مخفی نگه داشتن منبع دستیابی به اطلاعات مهم دشمن همواره برای واحد جنگ الکترونیک یک چالش اساسی بود چگونه می شد به فرماندهان اثبات کرد که اطلاعات عملیاتی که ارائه می شود قابل اعتماد است، بدون اینکه بتوان توضیحی درباره موثق بودن منبع اطلاعات اظهار کرد. ویژگی دوم که جنبه نرم افزاری داشت، مربوط به مخفی

نگه داشتن عملیات نفوذ از دید دشمن بود. عملیات نفوذ به گونه ای طراحی شده بود که کسی قادر به کشف آن نشود. نفوذ با ارسال یک سیگنال مخابراتی یک ثانیه ای در یک لحظه خاص و هماهنگ با امواج رادیویی مشابه در منطقه صورت می گرفت؛ به نحوی که کشف وجود چنین سیگنالی در میان حجم زیاد امواج رادیویی غیرممکن بود. با دریافت این سیگنال در گیرنده دشمن، رمز کننده آن مختل می شد و اختلال ایجاد شده در حافظه رمز کننده باقی می ماند. با ارسال پیام از این رمز کننده، اختلال همچون یک ویروس همراه با پیام به تمام رمز کننده های گیرنده پیام منتقل می شد. با هر تماس بعدی این پدیده مانند یک بهم در سرتاسر شبکه مخابراتی مجهز به این رمز کننده منتشر می گشت.

در نهایت این اختلال با خاموش و روشن کردن رمز کننده از بین می رفت و هیچ اثری از آن باقی نمی ماند. به همین دلیل هر چند که سرویس شنود طرف عراقی متوجه یک نوع اختلال در رمز کننده ها شده بود، ولی قادر به کشف مسأله نبود و تصور می کرد اپراتورهای دستگاه در استفاده از رمز کننده درست عمل نمی کنند.

به لطف الهی این سامانه با دو ویژگی اساسی آن تا پایان جنگ همچنان با قدرت، تماس های رمزی شده دشمن را کشف می کردند، بدون آنکه ردی از خود برجای بگذارد همچون شبی وارد شبکه مخابراتی دشمن شده و پس از مدتی محو می شدند.

”
حجم مکالمات محرمانه سری کشف و ضبط شده از طریق این سامانه تا پایان جنگ به ۱۲۰۰۰ ساعت می رسد

”
کشورهای زیادی از جمله کشورهای عضو ناتو به این رمز کننده تجهیز بوده اند اما این پایان ماجرا نبود

دستگاه رحمت؛ چگونگی شکستن رمزکننده های انگلیسی

رمز کننده راکال انگلیس را از عراقی ها غنیمت گرفته بودیم. این دستگاه استاندارد ناتو را داشت و در جایگاه خودش یکی از پیشرفته ترین رمز کننده ها بود. فعالیت این رمز کننده اینطور بود که صوت منتشر شده را به طول پنجاه میلی ثانیه نمونه برداری می کرد و پیام را با یک الگوریتمی خاصی ارسال می کرد. بچه ها شروع کردند به مهندسی معکوس این سیستم؛ مدارات آن شناسایی و تحلیل شد. بعد از بررسی ها این ایده به وجود آمد که اگر سیستم در یک حالت خاصی قرار بگیرد هزار میلیارد حالت رمز، تبدیل می شد به شصت و چهار حالت. وقتی در آزمایشگاه تست شد دیدیم این واقعیت دارد. بلافاصله دوباره یک مقدار کار شد و دوستان توانستند سیستمی بسازند که با استفاده از آن به سیستم عراقی ها نفوذ پیدا می کردیم و داخل سیستم دشمن تغییراتی ایجاد می کردیم. این سیگنال بدون این که اپراتور بفهمد از بیسیم رد می شد و وارد رمز کننده می شد و تغییرات را ایجاد می کرد و سیستم مطابق نظر ما قرار می گرفت و ما می توانستیم اطلاعات را دریافت کنیم. وقتی دستگاه را به جبهه آوردیم و تست کردیم، به لطف و رحمت خدا رمز شکسته شد. به همین خاطر اسم این سیستم را «رحمت»؛ چون واقعا ساخت چنین دستگاهی رحمت خدا بود. وقتی از این دستگاه استفاده کردیم متوجه شدیم که اپراتورهای عراقی با هم فقط حرف نمی زنند، بلکه نامه نگاری می کنند و تمام اطلاعاتشان را از طریق این سیستم به هم ارسال می کنند. با استفاده از این دستگاه در طول جنگ بیش از دوازده هزار نامه سری و فوری را از ارتش صدام به دست آوردیم. اپراتورهای عراقی تا آخر جنگ هم نفهمیدند که چنین اتفاقی در حال وقوع است. هیچ گاه شک هم نکردند. چون بعضی هایشان را اسیر می گرفتیم؛ ما نگران بودیم این ها متوجه شده باشند؛ اما تا آخر جنگ هم دیدیم متوجه نشدند. حتی تا آخر سقوط صدام هم کسی متوجه شنود ما نشد.



مرحوم علی اصغر زاری